



آئینہ بانی خطاها کذب طبقا امامیه در باره بقتل رسیدن زین الدین العاملی

اینکه دوره‌ای خاندان بشاره در منطقه جبل عامل حاکم بوده‌اند؛ نام این منطقه در برخی منابع به صورت «بلاد بنی بشاره» نیز رفته است.^۴

زین الدین العاملی یکی از سرآمدان علمای امامیه است که آثاری بسیاری چون مسالک الإفهام و روضة البهیه دارد که از منابع پایه‌ای فقه امامیه است. در سال‌های اخیر درباره‌ی زین الدین العاملی فعالیت‌های گوناگونی انجام شده است. در ماه مایس/ می ۲۰۱۰ در شهر صیدای لبنان، همایشی با عنوان الشهید الثاني: الخصوصیه و التواصل ترتیب داده شد.^۵ سمینار دیگری نیز با یک شمولى که شهید اول^۶ را نیز دربر می‌گرفت؛ در ۲۲ اوجاق/ ژانویه ۲۰۰۹ در شهر اصفهان ایران با عنوان مکانة الشهدین فی مجال الحضارات الاسلامیة برگزار شد.^۷ نیز برگزاری سمینار دیگری به تاریخ نیسان - مایس (آوریل - می) ۲۰۱۰ در لبنان اعلام شده است.^۸ چاپ مجموعه آثار زین الدین به صورت یک دوره ۳۵ جلدی نیز پیش از برگزاری سمینار سال ۲۰۱۰ در لبنان برنامه‌ریزی شده است.^۹ درباره‌ی به قتل رسیدن زین الدین، نویسندگان بسیار مبالغه نموده و این واقعه را با پیش‌داوری، به عنوان نمونه‌ای از ظلم عثمانی‌ها درباره شیعیان^{۱۰} قلمداد می‌کنند.

اطلاعاتی که زین الدین العاملی خود درباره‌ی زندگی‌اش نگاشته به روزگار ما رسیده است. اما این داده‌ها ده سال آخر زندگی او را دربر نمی‌گیرد. شاگرد زین الدین محمد بن علی العودی (زنده در ۱۵۶۷/۹۷۵) از سال ۱۵۳۳/۹۴۰ تا سال ۱۵۵۵/۹۶۲ نزد استاد خود بوده است^{۱۱} و در موضوع زندگی استاد خود اثری با عنوان بغیة المريد^{۱۲} نگاشته است. ابن

چکیده: زین الدین عاملی که از او با عنوان شهید ثانی یاد می‌شود عالمی شیعی - امامی است که در دوره سلطان سلیمان قانونی به استانبول آمده و به عنوان مدرّس مدرسه نوریه بعلبک تعیین شده است. یادداشت‌هایی که وی درباره‌ی زندگی خود نوشته، و نقل‌های شاگردش ابن العودی، که زمانی طولانی با او بوده است؛ درباره سه سال آخر عاملی و شهادت او هیچ آگاهی‌یی به دست نمی‌دهد. درباره به قتل رسیدن عاملی اطلاعات محدود و قابل مناقشه‌ای موجود است. برخی اطلاعات جدید مانند نوشته‌های النهروالی که شاهد کشته‌شدن عاملی بوده است؛ نادرست بودن اطلاعات مربوط به جریان، زمان، مکان و عوامل شهادت او در کتب تراجم امامیه و ناسازگاری آن با واقعیت‌های تاریخی را آشکار نموده است.

کلید واژه: شهید ثانی، زین الدین؛ شهید ثانی - ماجرای شهادت؛ عالمان شیعه - قرن دهم؛ تاریخ شیعه - شام؛ کتابهای تراجم - نقد و بررسی.

اشاره
آدم آریکان (ADEM ARIKAN) در سال ۲۰۱۰ دکترای تاریخ از دانشگاه استانبول گرفت. پایان نامه کارشناسی ارشد او درباره دیدگاه‌های دینی و سیاسی علامه حلّی و پایان نامه دکترای او درباره شیعه در دوره سلجوقیان است. مقالات متعددی در زمینه تاریخ تشیع در نشریات علمی کشور ترکیه نوشته است. متن اصلی این گفتار در نشریه دانشکده الهیات دانشگاه آنکارا، شماره ۱۹، سال ۲۰۰۹، صص ۸۷-۱۱۲ منتشر شده است.

مقدمه
زین الدین بن علی بن احمد، مشهور به «الشهید الثاني» (م. ۹۶۵/۱۵۵۸ م)، با انتساب به زادگاهش منطقه جبل عامل^۱ لبنان با نسبت «العالمی» نیز شناخته می‌شود.^۲ به دلیل

آدم آریکان*

شیخ اسد زوقی*

زندگی [نامه] زین الدین العاملی

زین الدین در تاریخ ۱۳ شوال ۹۱۱ (۹ مارس ۱۵۰۶)^{۳۳} در لبنان جنوبی در روستای جبع در نزدیکی صیدا به دنیا آمده است.^{۳۴} پیدایش شیعه در منطقه، به گونه‌ای آمیخته با افسانه، و تأثیر صحابه ابوذر غفاری (م. ۶۵۲/۳۲) در شیعه شدن مردم، تا حد ممکن به تاریخ‌های کهن برده شده است.^{۳۵} در زمان تاریخ تولد زین الدین، منطقه در داخل مرزهای مملوکیان بوده است.^{۳۶} و در زمان یاوز سلیم پس از جنگ‌های مرجیدابک (۱۵۱۶) و ردانیّه (۱۵۱۷) منطقه‌ی مورد بحث، تحت حاکمیت عثمانی درآمد است. به نظر برخی محققان، مملوکیان کاری با فعالیت‌های فرهنگی شیعیان نداشته‌اند، و اکثریت آنها از سربازان جاهلی تشکیل یافته بوده که نوشتن و خواندن نمی‌دانسته‌اند. اما حاکمان جدید منطقه و رهبری عثمانی، با دغدغه‌های مذهبی حرکت می‌نموده است.^{۳۷} و به سبب مجادلاتی که با صفویان داشته است؛ به‌ویژه در برابر شیعیان، هشیارتر بوده است.^{۳۸} حاکمان منطقه‌ی زادگاه زین الدین، رهبرانی بومی با گرایشات شیعی بوده‌اند. شهر صیدا^{۳۹} از سال ۱۵۱۱/۹۱۷م توسط ناصرالدین محمد بن الحنش اداره می‌شد. حکومت عثمانی نیز به ابن الحنش لواداده و اداره منطقه را به او سپرده بود (۱۵۱۶/۹۲۲).^{۴۰} اما پس از آشکار شدن روابط ابن الحنش با برخی حاکمان مملوکی، و شکست وی در برابر عثمانی‌ها، زمین‌های تحت رهبری او به دیگری واگذار شده و دستور دستگیری‌اش صادر شده بود. پس از یک دوره اختفاء، از سوی امیر طرابلس فرزند اسکندر پاشا، مصطفی بیگ، با استفاده از دوستی‌ی که قبلاً بین آنها بوده [امنیت جانی] آشکار شدنش تأمین شده، و [سپس] کشته شده (۱۵۱۸/۹۲۴) و سرش سوی یاوز سلیم فرستاده شده است.^{۴۱} علیرغم اختلاف نظر محققان^{۴۲}، بنابر قول قاضی معروف (م. ۱۵۶۴/۹۷۱) که در صیدا انجام مسئولیت نموده، ابن

العودی در این اثرش، نوشته‌های استادش را نیز نقل نموده است. اثر ابن العودی در ده فصل سامان یافته است. اما در روزگار ما نسخه‌ی کاملی از آن شناسایی نشده است. علی بن محمد (م. ۱۶۹۲/۱۱۰۴)^{۴۳} که از نسل زین الدین است تنها سه فصل این اثر را، در اثری که با عنوان الدر المنثور^{۴۴} نوشته، جا داده است^{۴۵} و خود نیز برخی اطلاعات را بر آن افزوده است.^{۴۶} فصل‌های نقل شده در این کتاب همه‌ی نوشته‌های خود زین الدین را دربر دارد، و اطلاعات مربوط به زندگی خودش، تا ۱۵۴۸/۹۵۵ آمده است. نیز از محتوای آن فهمیده می‌شود که پس از سال ۱۵۵۳/۹۶۰ نوشته شده است.^{۴۷}

از آثار زین الدین، شرح اللمعة منتشر شده و در مقدمه‌ی آن در رابطه با زندگی زین الدین اطلاعاتی داده شده است. جالب توجه اینکه در این مقدمه به متن بغیة المرید، بدون اینکه شماره صفحه داده شود، ارجاعات داده شده است.^{۴۸} به نظر رضا مختاری که تحقیقاتی درباره‌ی زین الدین العاملی دارد نسخه‌ای وجود ندارد که همه‌ی فصل‌های بغیة المرید را دربرگیرد.^{۴۹} رضا مختاری نوشته است که از محمد مهدی آصفی، نویسنده مقدمه‌ی شرح اللمعة، درباره نسخه خطی موجود در ارجاعات پرسیده است و از آصفی اینگونه پاسخ گرفته است که خود وی رساله ابن العودی را ندیده است؛ اما با واسطه‌ی روضات و اعیان الشیعه نقل نموده است.^{۵۰} اطلاعات به دست آمده از مراجعه به منابع دست دوم را به مثابه‌ی نقل از نسخه‌ای^{۵۱} غیر موجود [نمایاندن] و اعتراف به آن بسیار معنادار است.

در رابطه با زندگی زین الدین تا سال ۱۵۴۸/۹۵۵ خلاصه‌ی اطلاعاتی را ذکر می‌کنیم که محتوای نوشته‌های خود او را نیز دارا است. در مرتبه دوم نیز، درباره زین الدین که پس از این تاریخ مخفیانه زیسته، روایت‌های ذکر شده در منابع شیعی را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

الحنش شیعی (رافضی) است.^{۳۰} صیدا پس از به قتل رسیدن ابن الحنش تا زمان مرگ یاووز سلیم از سوی نائبی که دولت تعیین می‌کرده اداره شده است. با مرگ یاووز، جانبردی که عصیان نموده بود (۱۵۲۰/۹۲۶)؛ ناصرالدین راکشته و فرزند او احمد را، به دلیل پشتیبانی که با خود داشته، به حکومت مناطقی رساند که تحت حاکمیت پدرش بود. اما جانبردی، در شورش خود موفق نشده و کشته شد. جز این در رابطه با احمد ابن الحنش تا مدتی طولانی در منابع اطلاعاتی ذکر نشده است.^{۳۱} در سال ۹۵۰ محمد بن الحنش در کرک نوح، به قدر زیادی وقفیات به وجود آورد و به سرپرستی آن نیز نقیب الاشراف سید علوان الحسینی را گمارد.^{۳۲} هرچند علوان الحسینی، در اصل یک شیعی بوده، اما به مثابه‌ی یک شافعی به نظر می‌آمد.^{۳۳} در دفاتر مهمه، امیر شام به سال ۱۵۷۱/۹۷۸ در فرمانی که به قاضی و دفتردارش فرستاده، نام محمد ابن الحنش، به عنوان صاحب اقطاع، در ثبت‌های عثمانی جا گرفته است. مدت‌ها بعد، محمد نیز به سبب شورش، حبس و کشته شده است.^{۳۴}

در اداره‌ی منطقه، حاکمانی با تمایلات شیعی مسئولیت داشته‌اند. از سوی دیگر، مراکز علمی شیعی نیز که با مدارس بسیارش نهادینه شده بود، به تأثیرگذاری خود ادامه می‌داد. زین‌الدین عاملی از خاندانی است که سرآمدان عالمان شیعی - امامی دوره را داشته^{۳۵}، و در مقطعی که منطقه تحت حاکمیت عثمانی رفته، ده سال داشته است. برای تعلیم زین‌الدین پدرش علی بن احمد (م. ۱۵۱۹/۹۲۵) شروع نموده است. پس از آن آثاری مانند مختصر الشرائع، اللعة الدمشقیة را خواند.^{۳۶}

پس از مرگ پدرش در مراکز اطراف و نزدیک به تعلّم خود ادامه داد. ابتدا به روستای میس رفت و نزد علی بن عبدالعالی از سال ۹۳۳ (۱۵۲۷) به آموختن ادامه داد. سپس برخی آثار فقهی امامیه مانند شرائع الاسلام و الإرشاد را خواند. از

میس به کرک نوح رفت. در آنجا نزد حسن بن جعفر [کتاب] قواعد میثم البحرانی در کلام، التهذیب و العمدة الجلیة فی الأصول الفقهیة را در اصول فقه و از نحو الکافیة را خواند. در جمادی‌الآخره ۹۳۴ (۱۵۲۸) به موطن خود جبع بازگشت. پس از سپری چند سال با اشتغالات علمی در سال ۹۳۷ (۱۵۳۰-۱۵۳۱) به دمشق رفت و طب، ریاضی، فلسفه و قراءات را درس گرفت. در سال ۹۳۸ دوباره به موطن خود جبع بازگشت. تا پایان سال ۹۴۱ (۱۵۳۵) در جبع اقامت نمود و در آغاز سال ۹۴۲ (۱۵۳۶) به مصر رفت. در جریان این مسافرت از عالم حنفی، شمس‌الدین بن طولون الدمشقی، صحیحین را خواند و اجازه‌ی روایی گرفت. در این دوره شاگردش ابن العودی نیز در خدمتش بود؛ او نیز از ابن طولون اجازه گرفته است. در جریان مسافرت متوجه غزه شد و با محی‌الدین عبدالقادر بن ابی‌الخیر الغزّی دیدار کرد. الغزّی از کتابخانه‌اش به او یک کتاب از جمال‌الدین بن المطهر (حلی) را اهدا نمود. طی مسافرت در آبادی‌ها و در مصر از علمای بسیاری با مذاهب گوناگون در زمینه‌های مختلف درس‌ها گرفت.^{۳۷} در تاریخ ۱۷ شوال ۹۴۳ (۲۹ مارت ۱۵۳۷) از مصر برای حج و عمره به حجاز رفت. در تاریخ ۱۴ صفر ۹۴۴ (۲۳ تموز ۱۵۳۷) به موطن خود، جبع برگشت. تا سال ۹۴۶ در آنجا اقامت نمود. در کنار خانه‌اش بنای مسجدی آغاز شد که ساخت آن در سال ۹۴۸ به اتمام رسید.^{۳۸} در تاریخ ۱۷ ربیع‌الآخر ۹۴۶ (۱ ایلول ۱۵۳۹) برای زیارت قبور امامان [علیهم السلام] راهی مسافرت به سوی عراق شد. گروهی متشکل از شیعیان و شاگردش ابن العودی نیز همراه او بودند. در این مسافرت نیز با برخی از علمای شیعه دیدار کرد.^{۳۹} در ۱۵ شعبان (۲۶ آریلیق) به موطن خود بازگشت. در تاریخ ذی‌الحجه ۹۴۸ (۱۵۴۲) به قدس رفت. و نزد شمس‌الدین المقدسی، بخاری و مسلم خواند و دوباره به موطن خود برگشت. تا آخر سال ۹۵۱ با پرداختن به فعالیت‌های علمی در اینجا اقامت نمود.^{۴۰}

سیاحت استانبول و تعیین برای مدرسه نوری واقع در بعلبک

زین الدین عاملی قصد رفتن به استانبول نموده، در تاریخ ۱۲ ذی حجه ۹۵۱ (۲۴ شباط / فوریه ۱۵۴۵) از وطن خود جدا شده است. ابتدا به دمشق رفت. پس از مدتی اقامت در دمشق، به حلب رفت. در ۱۶ محرم ۹۵۲ (۳۰ مارس ۱۵۴۵) به حلب رسید. تا تاریخ ۷ صفر (۲۰ نیسان / آوریل) در اینجا ماند. برای رفتن به استانبول مسیر متلولی را که از آدانا می‌گذشت رها نموده و بجای آن با قافله‌ی طلبه‌هایی که از راه توقات به استانبول می‌رفتند راهی شد. بنابر بیان خودش این مسیر خیلی مورد استفاده‌ی مسافران استانبول نبود. او، این ترجیحش را به استخاره منوط کرده است. در تاریخ ۱۲ صفر ۹۵۲ (۲۵ نیسان / آوریل ۱۵۴۵) به توقات رسیدند. در عمارت سلطان بایزید ماندند. از توقات به آماسیه گذشتند. در این دوره آماسیه از سوی شاهزاده مصطفی اداره می‌شد.^{۴۵} پس از شانزده روز اقامت در آماسیه، دوباره به سوی استانبول به راه افتادند.^{۴۶} روز دوشنبه ۱۷ ربیع الأول ۹۵۲ (۲۹ مایس ۱۵۴۵) به استانبول رسیدند. هجده روزی آنکه با کسی دیدار کند در استانبول ماند. در این روزها، رساله‌ای ده بحثه^{۴۷}، حاوی هر نوع بحث فقه، تفسیر و دیگر موضوعات نوشته، و به قاضی عسکر، محمد بن قطب الدین (م. ۹۵۷/۱۵۵۰)^{۴۸}، که با افتخار از او یاد نموده رساند. قاضی عسکر به او علاقه‌ی زیادی نشان داد و پیشنهاد مذاکراتی در موضوعات بسیاری شد. در آن دوره کسانی که از بیرون به مرکز خلافت، استانبول می‌رفتند، گرفتن معرفی‌نامه از قاضی منطقه، ضروری بود.^{۴۹} به زین الدین، «با نبود چنین نوشته‌ای به احتمال زیاد به مشکلات عدیده برخورد خورده»، گفته شده بود. اما او، از قاضی چنین نوشته‌ای نگرفته، به جای آن رساله‌ای را که نوشته بود تقدیم کرده، و به جاهای مربوطه به آسانی رسیده بود. در دوازدهمین روز دیدارشان با قاضی عسکر، یک دفتر فرستاده شده، و انتخاب یکی از مسئولیتهای خواسته شده در حلب یا

شام خواسته شده است. زین الدین نیز مدرسی مدرسه نوری^{۵۰} واقع در بعلبک را ترجیح داد.^{۵۱} مسئول شدنش در مدرسه نیز به سلطان سلیمان عرض شده، یک برات^{۵۲} نوشت و مقدار شهریه‌ای نیز که در وقفیه‌ی بانی مدرسه سلطان نورالدین ذکر شده بود [به وی] اختصاص داده شد.^{۵۳}

زین الدین در استانبول به مدت سه ماه و نیم مانده است. روز شنبه ۱۱ رجب ۹۵۲ (۱۱ اکتبر ۱۵۴۵) از استانبول حرکت کرده به اوسکودار رفت. در اینجا به انتظار شاگردش و رفیق‌راش حسین بن عبدالصمد ماند.^{۵۴}

زین الدین از استانبول به محل مسئولیت نرفته، ابتدا راهی عراق شده، مزارهای مختلف را زیارت نموده است. روز شنبه ۳ شعبان ۹۵۲ (۱۰ اکتبر ۱۵۴۵) از اوسکودار خارج شدند. از طریق سیواس و ملاطیه به عراق رفتند. روز چهارشنبه ۴ شوال (۹ آریلیق) به سامرا رسیدند و پس از زیارت قبر سلمان الفارسی و حذیفه الیمانی [در مدائن] برای زیارت قبر حضرت [امام] حسین [علیه السلام] به راه افتادند. در وسط ماه روز یکشنبه به آنجا رسیدند و تا روز جمعه ماندند. از آنجا به حله رفتند و قبر قاسم (فرزند موسی کاظم [علیه السلام]) را زیارت کردند. از آنجا به کوفه [و نجف] رفتند و قبر حضرت علی [علیه السلام] را زیارت نمودند. پس از زیارت مشاهد، در تاریخ ۱۷ ذیحجه (۱۹ شباط / فوریه ۱۵۴۶) بازگشتند. زین الدین، علیرغم نزدیک بودن روز عاشورا، به دلیل برخی مشکلات، بجا نیاوردن زیارت روز عاشورا را ذکر نموده است.^{۵۵}

اقامت در بعلبک و درس‌هایش در مدرسه نوری

زین الدین، هنگام پذیرفتن مسئولیت مدرسی در استانبول - علیرغم اینکه توصیه شده بود که محلی را که می‌خواهد در حلب و شام انتخاب کند - در ترجیح مدرسه نوری بعلبک، وجود برخی مصلحت‌ها را قید نموده است.^{۵۶} منظورش از این مصلحت‌ها، ترجیح مذهبی مردم منطقه و به سبب

بودن حاکمیت از مذهب خود، برای اجرای فعالیت‌هایش فضا مناسب خواهد بود. چون اکثریت جمعیت بعلبک از شیعیان تشکیل می‌شد.^{۵۷} حاکمیت منطقه در دست آل حرفوش بود که شیعی^{۵۸} بودند. در جریان شورش جانبردی (۱۵۲۱/۹۲۷) در منطقه ساکن شده بودند. از هر هرج و مرجی که در منطقه بروز می‌کرد برای افزایش قدرت خود استفاده کرده بودند. هر چند گهگاه از سوی حاکمان محلی عثمانی تأدیب شده بودند اما حاکمیت خود را تا قرن نوزدهم ادامه داده بودند.^{۵۹} خاندان حرفوش که در منطقه حاکم بودند؛ مانند صفویه شیعیانی بودند که ابعاد تصوّفی نیز داشته‌اند.^{۶۰} حکومت عثمانی نیز از روابط آل حرفوش با صفویان می‌تواند مظنون شده باشد.^{۶۱} برای نمونه از این خاندان محمد بن علی الحرفوشی، عالمی است که دارای آثاری بوده و در شام اقامت داشته است. به رافضی‌گری متهم شده و هنگامی که به مقامات شکایت می‌شود، پنهانی ابتدا به حلب، از آنجا نیز به خاک صفوی رفته است. شاه عباس به او احترام زیاد گزارده، در جایگاه صدارت علما به او مسئولیت داده است.^{۶۲}

زین‌الدین، [قرار بود] در مدرسه نوریه بعلبک که اکثریت جمعیت آن شیعی و حاکمانش نیز گرایشات شیعی دارند انجام وظیفه نماید. پس از زیارت قبرهای واقع در عراق، در اواسط ماه صفر سال ۹۵۳ (نیسان / آوریل ۱۵۴۶) به موطن خود بازگشت. سپس با اقامت در بعلبک، شروع به تدریس در مدرسه نوریه نمود. در این دوره، تدریس زین‌الدین بر اساس پنج مذهب ثبت شده است. این نکته در افادات شاگرد او ابن العودی نیز آمده است.^{۶۳} این ثبت، احتمال اجازه دادن حاکمیت عثمانی برای تعلیم مذهب امامیه را نیز به ذهن می‌آورد. اما بعضی قیودات برخی منابع، شبهه‌ی موجود در این موضوع را از میان برمی‌دارد. بنابر این ثبت‌ها زین‌الدین متهم به تسنّن بوده است. او، روزها چهار مذهب اهل تسنّن؛ شبها نیز بر اساس مذهب امامیه درس می‌داده است.^{۶۴}

در برخی منابع، آمده است که زین‌الدین برای انجام مسئولیت تدریس، پنج سال در بعلبک اقامت نموده است.^{۶۵} حال آنکه او، پس از زیارت مقابر عراق، در اواسط ماه صفر سال ۹۵۳ (نیسان / آوریل ۱۵۴۶) به موطن خود برگشته و اقامت خود در بعلبک را آغاز نموده است.^{۶۶} تاریخ ترك بعلبک را به طور دقیق نمی‌دانیم. اما اگر حتی دیرترین تاریخ آن، ۹۵۵ (۱۵۴۸) را در نظر بگیریم، طول کشیدن مسئولیت مدرسی او نه پنج سال، که دو سال خواهد بود.^{۶۷}

درباره زندگی زین‌الدین یادداشت‌های خود او در این تاریخ (۱۵۴۸/۹۵۵) به پایان می‌رسد. شاگردش ابن العودی از این تاریخ، به پایان رسیدن روزهای امنیت داراستادش زین‌الدین را قید نموده است.^{۶۸}

قتل او

زین‌الدین زندگی پس از سال ۱۵۴۸/۹۵۵ را مخفیانه گذرانده است. او علت ترك بعلبک و بازگشت به موطن خود را به عنوان «به جا آوردن امری الهی» بیان می‌دارد. این بیان او از سوی رضا مختاری «استخاره» بودنش تبیین شده است.^{۶۹} احتمالاً پس از دریافت برخی هشدارها، به عنوان تدبیر، نیاز به لزوم اختفا را حس نموده است. با استفاده از برخی ثبت‌های موجود در منابع درباره‌ی زندگی این دوره‌ی او، اگرچه کم، اما آگاهی‌هایی را می‌توانیم به دست بیاوریم. زین‌الدین در تاریخ ۱۲ صفر ۹۵۶ (مارت ۱۵۴۹) در خانه ابن العودی واقع در جزین مخفی شده بود.^{۷۰} در سال ۹۶۴ به تاج‌الدین بن هلال جزائری در مکه اجازت داده است.^{۷۱} همان سال خارج شدن از منطقه و به مکه رفتن او قید شده است.^{۷۲} بنابر ثبت بحرانی، زین‌الدین در تاریخ ۵ ربیع‌الاول ۹۶۵ (آرالیق ۱۵۵۷) در مکه دستگیر شده به استانبول آورده شده و به قتل رسیده است.^{۷۳}

برای آخرین سال‌های زین‌الدین و داده‌های مناقشه‌انگیز در رابطه با به قتل رسیدن او، عموماً اثر حرّ عاملی به نام امل

الآمل [فی علماء جبل عامل] به عنوان منبع مورد استفاده قرار گرفته است. او، «شنیده‌ها» و «نوشته‌های برخی علما» ارجاع داده، وقایع به وجود آمده پس از قضاوت زین الدین درباره یک دعوا را به عنوان سبب [و] سرآغاز جریان کشته شدن او توضیح داده است.^{۶۴} به گفته‌ی محققان شیعی، وظیفه‌ی قضاوت برای کسانی که در منطقه مذهب امامیه داشته‌اند، توسط عالمانی از مذهب خودشان انجام می‌شده است. از قاضی و مفتی‌های منصوب مقامات رسمی، تنها اسمی بود.^{۶۵} چرا که زین الدین نیز از «قاضی و سلطان غیر مشروع (جائر)» سخن گفته و روایت‌هایی مبنی بر گناه کبیره بودن مراجعه به آنان، و جور درنیامدن نتایج بدست آمده در این محکمه با احکام الهی آورده است.^{۶۶}

بنابر نوشته‌های حر عاملی، جریان به قتل رسیدن زین الدین اینگونه به وجود آمده است:

زین الدین درباره دعوی دو فرد نظر داده، فرد محکوم از نتیجه [قضاوت] ناراحت شده، پیش قاضی صیدا، به نام معروف رفته است. قاضی فردی را برای احضار زین الدین فرستاده است. در این دوره زین الدین مشغول نوشتن کتاب بوده است. یکی از کسانی که آنجا زندگی می‌کرده گفته است که مدتی به جای دیگری رفته است. زین الدین به فکر رفتن به مسافرت حج افتاد. پیش‌ترها به حج رفته بود، اما این مسافرت به منظور مخفی شدن بود. مسافرت خود را در محملی که امکان اختفا داشت انجام داد. قاضی صیدا، به سلطان «در بلاد شام وجود یک فرد بدعت‌گذار خارج از چهار مذهب» را نوشت. سلطان یکی را فرستاده، خواست که زین الدین را صحیح و سالم پیش خود او ببرند. می‌خواست او را با علمای کشور خود به بحث و گفتگو گذاشته و بعد از آن درباره‌ی او به تصمیمی برسد. فرستاده‌ی سلطان وقتی که رسید خبردار شد که زین الدین در راه مکه است. در راه به او رسید. درخواست همکاری زین الدین تا اتمام مراسم حج را پذیرفت. با اتمام حج به راه افتادند. به آناتولی (بلاد

الروم) رسیدند. به یک نفر برخوردند که از زین الدین پرسید. مأمور پاسخ داد: «یکی از علمای شیعه امامیه را نزد سلطان می‌برم». شخص به مأمور به او گفت: «آیا نمی‌ترسی که او نزد سلطان از کوتاهی تو در خدمت، و اذیت شدنش توسط تو شکایت کند؟ او در نزد سلطان کمک خواهد شد؛ به این ترتیب، برای کشتن تو آدم‌هایی دارند که می‌توانند سبب کشتن تو شوند. کشتن او و بردن سر او نزد سلطان با عقل جور در می‌آید». مأمور، زین الدین را در ساحل دریا کشت. یک گروه ترکمن زندگی می‌کرد. شبانگاه دیدند که نوری در آنجا پایین می‌آید. زین الدین را در آنجا به خاک سپرده و گنبدی بر فراز آن ساختند. مأموری که زین الدین را کشته بود، سر او را نزد سلطان برد. اما سلطان از این وضع خوشحال نشد و گفت: «من به تو دستور دادم که او را سالم نزد من بیاوری، اما تو او را کشتی». در نتیجه‌ی همت (غیرت) سید عبدالرحیم عباسی سلطان این مأمور را کشت.^{۶۷}

نظرات قطب الدین النهروالی (م. ۱۵۸۲/۹۹۰) که شاهد قتل زین الدین بوده، متفاوت‌تر است:

در زمانی که حسن بیگ^{۶۸} (م. ۱۵۷۶/۹۸۴) در شام قاضی بود، زین الدین در شام متهم به رافضی‌گری شد. قاضی حسن بیگ، زین الدین را احضار نموده، زین الدین گفته است که شافعی است و دو خلیفه نخستین و به طور عام فضیلت صحابه را قبول دارد. پس از این قاضی حسن بیگ، او را آزاد ساخته است. اما شخصی که نزد او بوده، گفته است که زین الدین یکی از علمای برجسته رافضی‌ها است که کتاب‌های زیادی نیز تألیف نموده است. حسن بیگ بار دیگر شخصی را برای احضار او فرستاد. اما این بار زین الدین مخفی شده بود. این وضع حسن بیگ را ناراحت نموده و از آزاد کردن او پشیمان شده بود. در این میان حسین بیگ، به قضاوت مکه منصوب شد. حسن بیگ در آنجا باخبر شد که زین الدین در مکه است و دستور داد او را دستگیر کنند. تلاش‌هایی که برای آزاد نمودن زین الدین شده بود

بی نتیجه ماند. زین الدین، با کدخدای جده به مصر و از آنجا نیز به استانبول برده شد و به دستور وزیر اعظم، رستم پاشا در تاریخ ۸ شعبان ۹۶۵ (۲۶ ماییس ۱۵۵۸) کشته شده است.^{۸۰} نادرست بودن نظر حر عاملی در رابطه با این موضوع مسلم است.^{۸۱} اما این داده‌ها در بسیاری از منابع^{۸۲} امامیه و نیز از سوی پژوهشگران معاصر در حال تکرار شدن است.^{۸۳} برخی داده‌های مربوط به این اطلاعات نادرست را بررسی می‌کنیم.

آ. زمران

در نقد الرجال تفرشی (م. ۱۰۳۰/۱۶۲۱) تاریخ وفات زین الدین را به سال ۹۶۶ نوشته است^{۸۴} کسانی که مانند حر عاملی این ثبت تفرشی را استفاده می‌کنند همان تاریخ را نقل می‌کنند.^{۸۵} اما اطلاعات موجود نادرست بودن این تاریخ را روشن می‌سازد.^{۸۶} تاریخ‌نگاران دوره صفوی به قتل رسیدن زین الدین را سال ۹۶۵ ثبت کرده‌اند.^{۸۷} حسن فرزند زین الدین نیز همین سال را تاریخ وفات پدرش می‌نویسد.^{۸۸} قطب الدین نهرولی که شاهد قتل زین الدین بوده تاریخ دقیق را به شکل ۸ شعبان ۹۶۵ (۲۶ مایس/می ۱۵۵۸) به دست داده است.^{۸۹}

ب. مکبان

به نظر حر عاملی و کسانی که ثبت‌های او را استفاده کرده‌اند زین الدین، از سوی مأموری که او را به استانبول می‌برده، پس از رسیدن به آناتولی (بلاد الروم) در کنار دریا کشته شده است.^{۹۰} محسن الأُمین، در راه استانبول در روستایی به نام بایزید کشته شدنش را بیان داشته، دیتای دیگری را می‌دهد.^{۹۱} تاریخ‌نگاران صفوی آن دوره، نگاشته‌اند که زین الدین به استانبول برده شده و به قتل رسید است.^{۹۲} میرزا عبدالله افندی، بیانات تاریخ‌نگار صوفی حسن روملو را ترجمه نموده پس از نقل، از کشته شدنش در راه استانبول دفاع کرده است.^{۹۳} خوانساری برای ثبت دیگری همان کار را انجام داده است.^{۹۴} عبدالاحد سیرجانی در اثرش به نام تفسیر سورة الروم که به نام شاه طهماسب نگاشته، حبس

شدن زین الدین در مسجد الحرام، فرستاده شدنش به استانبول از راه مصر، نپذیرفتن هیچ یک از گناهان اتهامی توسط زین الدین را نگاشته است.^{۹۵} النهرولی که طی اقامت در استانبول شاهد به قتل رسیدن زین الدین بوده، نوشته است که او را به محکمه آورده و اعلام کرده‌اند.^{۹۶}

بر اساس برخی منابع که کشته شدن زین الدین در راه را ثبت نموده‌اند؛ برای جنازه او از سوی ترکمن‌هایی که در آن مناطق زندگی می‌کرده‌اند بارگاه ساخته شده است.^{۹۷} با استناد به مقامات الجزائری ثبت شده که به این بارگاه ساخته شده در خارج از استانبول نام مزار (زین) الدین داده شده است.^{۹۸} به دلیل طرح قتل او در استانبول و نه در راه، نادرست بودن این اطلاعات نیز معلوم خواهد بود. بنابر روایت دیگری که برخی از منابع ثبت نموده‌اند جنازه‌ی زین الدین پس از سه روز نگهداری به دریا انداخته شده است.^{۹۹}

فقط از مذهب دیگری بودن او، به عنوان تنها دلیل کشتن زین الدین نشان داده شده است. با گذر زمان شاید هم با دیگر اطلاعات جدید روشن خواهد شد. پیشاپیش فهمیده می‌شود که تأثیر زین الدین تنها بر منطقه‌ای که زیسته، محدود نمی‌شود. زیرا در سال‌های ۹۵۳-۹۵۴ (۱۵۴۶-۱۵۴۷) رسائل او در مشهد استنساخ می‌شده است.^{۱۰۰} در آن دوره متهم شدن او به تبلیغ رافضی‌گری، از لحاظ سیاسی مفاهیم دیگری نیز داشته است. رافضی‌گری، در حالی که چالش مداوم حکومت عثمانی بوده چیزی است که با صفویه مرتبط است. رقابت سیاسی که در زمان وقوع حادثه، چنین نتایجی می‌توانست به بار بیاورد. چرا که عکس همان چیز نیز وجود داشت. عالمان سنی که در مناطق تحت حاکمیت صفویه بودند یا کشته شدند یا مجبور به ترک کشور خود شدند.^{۱۰۱}

دیدگاهی که قتل زین الدین را سبب کوچ عالمان امامی مذهب منطقه جبل عامل از ترس حاکمیت عثمانی به دربار صفویه^{۱۰۲} می‌داند، به تمامه درست نیست. مربوط دانستن

کوچ‌های پیش از این اتفاق، به این عامل درست نیست. از سوی دیگر بسیار قبل از این اتفاق کوچ‌هایی صورت گرفت.^{۳۳} کوچ‌های منطقه به ایران، قبل از حاکمیت عثمانی آغاز شده بود. برای نمونه در بین کسانی که از منطقه به ایران کوچیده‌اند در رأس همه‌ی شناخته شدگان، محقق کرکی به سال ۹۱۶ (۱۵۱۰-۱۵۱۱) به ایران رفته، و به حاکمیت صفویه درآمده است. در این تاریخ، سخنی از حاکمیت عثمانی در منطقه مطرح نیست. به کرکی لقب نائب الإمام داده شده بود. برای عالمانی که در کار تبلیغ مذهب امامیه مجال انجام وظیفه می‌یافتند همانگونه که در دیگر مناطق بود به عالمان این منطقه نیز نامه‌ها فرستاده می‌شد.^{۳۴} نادیده انگاشتن فرصت‌ها و امکانات اعطایی جذاب دولت صفویه به‌عنوان شیعه مهاجر از منطقه به ایران^{۳۵} و تنها سخن گفتن از فشار دولت عثمانی از سوی همان عالمان^{۳۶}، به هیچ‌روی ارزیابی بی‌طرفانه‌ای نیست.

ج. کسانی که نامش ————— ان در رابطه با کشتن او ذکر شده

در ارتباط با به‌قتل رسیدن زین‌الدین از قاضی صیدا، به وزیر اعظم رستم پاشا، تا به سلطان سلیمان نام افراد زیادی ذکر شده است.

سلطان

در برخی منابع کشته شدن زین‌الدین به امر سلطان سلیم در تاریخ ۹۶۵ (۱۵۵۸)^{۳۷} نوشته شده است. حال آنکه در این تاریخ سلطان سلیمان قانونی حکمران بود. در این منابع آیا سلطان سلیم یا پدر قانونی یاووز سلیم؛ و یا اینکه مقصود فرزند او سلیم ثانی است روشن نیست.

در رابطه با قتل زین‌الدین بیشتر ارجاعات به نوشته‌های حر عاملی است که سلطان سلیمان قانونی، مثبت وصف شده است. بنابر این توضیح سلطان، زین‌الدین را به استانبول آورده و خواسته است که محاکمه شود. به فردی نیز که

برای جلب او فرستاده، به‌ویژه زنده آوردن او را گوشزد نموده است. اما این مأمور زین‌الدین را در راه کشته بود. سلطان نیز که از این‌گونه کشته شدن زین‌الدین خوشحال نبود مأمور خودش را اعلام نموده بود.^{۳۸}

تاریخ‌نگاران صفوی آن دوره نوشته‌اند که زین‌الدین به امر وزیر اعظم، رستم پاشا کشته شده است.^{۳۹} از سوی دیگر، حسن روملو کشته شدن زین‌الدین بدون عرض به سلطان را نیز علاوه نموده است.^{۴۰}

رستم پاشا

رستم پاشا پس از مسئولیت‌های مختلف در دولت، به سال ۱۵۴۴/۹۵۱ به صدارت تعیین شده بود. با مهرماه - دختر [سلطان سلیمان] قانونی که از خرم زاده شده بود - ازدواج کرده بود. رستم پاشا، به نفع شهزاده بایزید که از خرم زاده بود، برای ولیعهد شدن او تلاش کرده بود. در همین راستا ترتیبی داده بود تا شهزاده‌ی بزرگ‌تر مصطفی را در رابطه با برقراری ارتباط با صفویان متهم نماید.^{۴۱}

به [سال] ۱۵۵۵ در کشته شدن^{۴۲} شهزاده مصطفی، نقش فعالی بازی نموده و در پی آن بر اثر دریافت واکنش سنگینی در ۱۵۵۳/۹۶۰ عزل شده، در ۱۵۵۵/۹۶۲ دومین بار به صدارت رسیده و تا زمان مرگ در تاریخ ۱۵۶۱/۹۶۸ در مسئولیت مانده بود.^{۴۳} اما شهزاده بایزید نیز که به نفع او فعالیت‌ها صورت گرفته بود، به موقعیت نافرمانی افتاده و پس از از دست دادن منصب به صفوی‌ها پناهنده شده و از جانب صفویان بازگردانده و کشته شده بود.^{۴۴}

برخی منابع شیعی نگاشته‌اند که سلطان سلیمان، رستم پاشا را فرستاد تا زین‌الدین را برای محاکمه به استانبول بیاورد.^{۴۵} مأمور کردن یک وزیر اعظم برای چنین کاری چندان معقول به نظر نمی‌رسد. به‌ویژه آنکه تاریخ‌نگاران صفوی نوشته‌اند که زین‌الدین به دستور وزیر اعظم، رستم پاشا به قتل رسیده است.^{۴۶} قطب‌الدین نهروالی نیز که شاهد

کشته شدن زین الدین بوده است؛ کشته شدن او به امر رستم پاشا را ذکر کرده است.^{۳۲}

قاضی صیدا، معروف بن احمد

فرد متهم به خبر دادن زین الدین به سلطان، قاضی صیدا معروف است. نکته جالب توجه دیگر اینکه در اعلام محمد بن مکی جبل عاملی (م. ۷۸۶/۱۳۸۴) که از او در محافل شیعی امامی، با تعبیر شهید اول یاد می‌کنند نیز نام قاضی صیدا ذکر شده است.^{۳۳} قاضی معروف اثری به نام کتاب البراهین النواقض دلالة الروافض^{۳۴} دارد که به عنوان ردیه‌ی دیدگاه‌های اثنی عشریه^{۳۵} نوشته است. بر اساس اطلاعاتی که منابع آن دوره به دست می‌دهند شرف الدین معروف بن احمد الصهیونی الدمشقی الشافعی با عنوان «ابن الضعیف شناخته می‌شود.»^{۳۶} در سال ۸۹۵/۱۴۹۰ زاده است.^{۳۷} قاضی حارم از توابع حلب و صیدا از توابع طرابلس شده است.^{۳۸} به سال ۹۴۹/۱۵۴۲ نیز به عنوان قاضی به حلب آمده است. در سال ۹۷۱/۱۵۶۴ در اوسکودار^{۳۹} وفات نموده است.^{۴۰}

قاضی معروف، کتاب البراهین را در سال ۹۶۴/۱۵۵۷م^{۴۱} نوشته است. او در این اثر برخی اسم‌ها را ذکر کرده است، به اثرهایشان ارجاع داده، و دیدگاه‌هایشان را بررسی می‌نماید. قاضی معروف، صاحب مسالک الافهام^{۴۲} و نام محمد بن جمهور را که بر این کتاب حاشیه نوشته را برده و دیدگاه‌های مدافع «برابر بودن حضرت علی [ع] در تمام کمالات و مقامات با پیغمبر [ص]^{۴۳}» و «برتر بودن امامان [ع]، از همه‌ی پیامبران، به جز حضرت محمد [ص]^{۴۴}» را نقل نموده و برای مخاطبش تعبیرات سنگینی را به کار می‌برد.^{۴۵} زین الدین عاملی اثری به نام مسالک الافهام دارد که موضوعات فقهی را دربر می‌گیرد. اما اگر محتوایی که قاضی معروف در اینجا نقل نموده، مورد دقت قرار گیرد متوجه می‌شویم که این اثر، همان نوشته محمد بن [ای] [جمهور] به نام [مسالک الافهام فی علم الکلام است که خود او نیز حاشیه‌ای بر این اثر نوشته^{۴۶} است. چرا که قاضی

معروف، در صفحه‌های پیشین نام حاشیه را به روشنی به صورت المنجی من الظلام ذکر کرده است.^{۴۷}

درباره‌ی خبر دادن زین الدین توسط قاضی معروف به سلطان، به جز اطلاعاتی که حر عاملی ذکر کرده، دست کم فعلا امکان تأیید شدن در منابع دیگر را ندارد. ردیه قاضی معروف، به ویژه نقل ملاحظات مرتبط با شیعیانی که در منطقه زندگی می‌کنند، می‌تواند موجب قرار گرفتن شیعیان منطقه در وضع دشوار شده باشد. در حکایتی که حر عاملی درباره‌ی زین الدین العاملی پرداخته است، ممکن است قاضی معروف را به همین علت نیز وارد ماجرا کرده باشد.^{۴۸}

ابن الحنبلی (م. ۹۷۱/۱۵۶۳) که در همان دوره زندگی کرده است؛ در اثرش به نام درّ الحجب نوشته است که قاضی معروف در حارم از توابع حلب و در صیدا از توابع طرابلس قاضی بوده، نیز در سال ۹۴۹/۱۵۴۲ به عنوان قاضی به حلب آمد.^{۴۹} ابن العودی نوشته است که پیش از سفر استادش به استانبول، پیش قاضی معروف رفته و درباره سفر استادش به استانبول سخن گفته است؛ قاضی معروف نیز - به دلیل مسئولیتی که در نتیجه این سفر متوجه او خواهد شد - از او خواسته است عریضه‌ای بنویسد که مورد قبول وی قرار نگرفته است.^{۵۰} این مطالب ابن العودی، با مسافرت استانبول که زین الدین به سال ۹۵۱/۱۵۴۵ آغاز نموده مرتبط است. بنابر یادداشت‌های ابن الحنبلی، قاضی معروف در سال ۹۴۹/۱۵۴۲ قاضی حلب شده بود. چگونه دوباره دو سال پس از این تاریخ نامش به عنوان قاضی صیدا ذکر می‌شود، به نظر می‌آید احتمالا برای این کار، دومین مرتبه به همان شهر مأموریت یافته است. قاضی معروف، در کتاب البراهین که به سال ۹۶۴/۱۵۵۷م نوشته است، از دوره‌ای که در صیدا قاضی بوده، برخی خاطرات و شواهد خود را آورده است، در این مطالب نوع تعبیری که او به کار برده نشان می‌دهد که مسئولیت قضاوت صیدا در گذشته به عهده وی بوده است.

به احتمال قوی در تاریخ‌های بعدی که زین‌الدین دستگیر شده و به قتل رسیده (۱۵۵۸/۹۶۵) قاضی معروف، در صیدا قاضی بوده است. از برخی اطلاعات مربوط به منابع آن زمان می‌توان نتیجه گرفت که قاضی معروف در این تاریخ قاضی صفد^{۳۶} بوده است. از سوی دیگر در دوره‌ی عثمانی‌ها منطقه‌ی جبل عامل، تا سال ۱۶۶۰/۱۰۶۰ داخل مرزهای استان صفد، از توابع ولایت دمشق بود. پس از این تاریخ جزء توابع صیدا شده است.^{۳۷}

خوانساری، که با ذکر تعبیر «ملعون» قاضی معروف را یاد نموده، منشأ تندی او در برابر زین‌الدین را قبل از مسافرت استانبول، نپذیرفتن «عریضه قاضی» و وجود احساس حسادت بیان می‌دارد.^{۳۸} حال آنکه ابن العودی، شاگرد زین‌الدین، از وجود روابط خوب (صحابه و مداخله) بین قاضی معروف و استادش نگاشته است.^{۳۹} این اتهام حرّ عاملی، امروزه نیز از سوی نویسندگانی که درباره زندگی قاضی معروف اطلاع می‌دهند نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد.^{۴۰}

اما بر اساس نوشته‌های نهروالی که شاهد کشته شدن زین‌الدین بوده است؛ نام قاضی شام حسن بیگ را به عنوان قاضی ذکر می‌نماید. قاضی حسن بیگ، زین‌الدین را محاکمه نموده و پس از آزاد کردن او یکی از کسانی که نزد او بوده، گفته است که زین‌الدین یکی از سرآمدان علمای روافض است که آثار زیادی نیز تألیف نموده است. حسن بیگ برای احضاره دوباره‌ی او، آدم فرستاد. اما این بار زین‌الدین مخفی شده بود.^{۴۱} فعلا هویت فرد را که این اطلاعات را به حسن بیگ داده است نمی‌دانیم.^{۴۲}

نتیجه

کشته شدن زین‌الدین عاملی از سوی حاکمیت عثمانی به اتهام رافضی‌گری، با زاویه دیدگاه‌های مختلف بحثی است که ادامه دارد.

اصلی‌ترین منابعی که اطلاعات کشته شدن زین‌الدین به

آن‌ها متکی است اطلاعات اشتباه بسیاری را دربر دارد. قاضی صیدا، معروف، که در رابطه با قتل او متهم است؛ شخصی است که درباره‌ی دیدگاه‌های اثنی عشریه ردّیه نوشته است. او با درج مشاهدات شخصی خود نیز در این اثر، می‌تواند موجب در تنگنا قرار گرفتن شیعیانی شده باشد که منطقه زندگی می‌کرده‌اند. باز هم در این منابع پس از به قتل رسیدن زین‌الدین، عبدالرحیم العباسی به عنوان کسی که از نفوذ خود برای اعدام قاتل او استفاده کرده است؛ از لحاظ تاریخ مرگ او، دو یا با تاریخ ذکر شده در این منابع سه سال پیش [از این واقعه] ثابت است. در برخی از این منابع سلطان سلیم به عنوان سلطان این دوره ذکر شده است. حال آنکه سلطان این دوره، سلطان سلیمان قانونی است. در این تاریخ یاووز سلیم پدر قانونی زنده نبود. فرزندش سلیم ثانی نیز هنوز به حکومت نرسیده بود. وزیر اعظم، رستم پاشا، بلندپایه‌ترین مسئول دولتی است که در رابطه با این واقعه متهم شده است.

در تاریخ وقوع حادثه هر قدر که انجام فعالیت به نام مذهب، در وضعی باشد که مفاهیم سیاسی نیز دارا است، وجهی برای دفاع از کشته شدن یک عالم به خاطر مذهبش وجود ندارد. همان‌کار در این دوره درباره‌ی برنامه‌های به اجرا درآمده از سوی صفویه در مورد عالمان سنی کشته شده و یا مجبور به ترک وطن شده نیز موضوع گفتگو است. اما اطلاعات ما درباره‌ی زندگی زین‌الدین، دارای این همه تناقض و اشتباه عموماً به منابع شیعی متکی است. تعمیم‌های صورت گرفته تنها از رهگذر این واقعه، به نتایج اشتباهی کشانده است. فارغ از بی‌طرفی آن، با پایه قرار گرفتن این اطلاعات اشتباه، اعتبار اتهامات وارده نیز روشن است.

پانویس

۱. [کتاب شیعه: عنوان مقاله «جعلیات کتب طبقات» است که چون تعبیر «جعل» در اینجا غلط است، به «خطا» تبدیل شد در سراسر مقاله نیز این تعبیر اصلاح شده است. پاره‌ای از مطالب دیگر نویسنده نیز

k=view&id=22Q&Itemid=33, 12.02.2009.

10. Devin J. Stewart, "The Ottoman Execution of Zayn al-Dīn al-Āmilī", Die Welt des Mam, Vol. 48, Nu. 3-4, 2008, (ss. 289-347), s. 290.

۱۱. درباره درست نبودن این که معاشرت وی از سال ۹۴۵ آغاز شده (علی بن محمد، الدر المنثور من المأثور و غیر المأثور، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۱۵۱) نگاه کنید به: مختاری، رضا؛ پژوهشی در تاریخ زندگی شهید ثانی (۱)، نور علم، شماره ۲۲، قمر: ۱۳۶۶ (صص ۱۲۲-۱۳۴) ص ۱۲۲، مقدمه، اعیان الشیعة، ج ۷، ص ۱۴۶، در این اثر به جای تاریخ ۹۶۲، به اشتباه ۹۷۲ داده شده است.

۱۲. الدر المنثور: ج ۲، ص ۱۵۱.

۱۳. بغية المريد في كشف عن احوال الشهيد.

۱۴. علی بن محمد بن حسن بن زین الدین.

۱۵. علی بن محمد، الدر المنثور، قمر: ۱۳۹۸.

۱۶. الدر المنثور: ج ۲، صص ۱۴۹-۱۵۰.

۱۷. اعیان الشیعة: ج ۷، ص ۱۴۶؛ المهاجر، جعفر؛ جبل عامل بین الشهدین: دمشق، ۲۰۰۵، ص ۲۱۶؛ رضا مختاری، پژوهشی در تاریخ زندگی شهید ثانی (۱)، صص ۱۲۲ و ۱۲۳.

۱۸. درباره لای نوشته های زین الدین درباره آماسیه که در راه استانبول آن را دیده، از اداره شهر توسط شاهزاده مصطفی و کشته شدن او توسط پدرش سخن گفته است (الدر المنثور: ج ۲، ص ۱۷۳) کشته شدن شهزاده مصطفی در سال ۱۵۵۳/۹۶۰ (نک):

Solakzade, Solakzade Tarihi, Ankara: Kültür Bakanlığı, 1989, II, s. 229- 35; Hasan Beyzade Ahmed, Tarih, Ankara: Türk Tarih Kurumu, 2004, II, s. 127-32; Münecimbaşı Ahmed Dede, Münecimbaşı Tarihi, şev. Ismail E. Erünsal, İstanbul: Tercüman Gazetesi, t.y., II, s. 56; Şerafettin Turan, Kanuni Süleyman Dönemi Taht Kavgaları, Ankara : Bilgi Yayınevi, 1997, s. 28-9.

(صولاقزاده، صولاقزاده تاریخی، آنکارا: وزارت فرهنگ، ۱۹۸۹، ج ۲، صص ۲۲۹-۲۳۵؛ حسن بیگ زاده احمد، تاریخ، آنکارا: مؤسسه تاریخ ترک، ۲۰۰۴، ج ۲، صص ۱۲۷-۱۳۲؛ منجمباشی احمد دده، منجمباشی تاریخی، ترجمه: اسماعیل ا. ارونسال، استانبول: نشریه ترجمان، بدون تاریخ، ج ۲، ص ۵۶؛ شرف الدین توران، قانونی سلیمان دؤنی تخت غوغالاری = جدال تاج و تخت در دوره سلیمان قانونی، آنکارا، انتشارات بیلگی، ۱۹۹۷، صص ۲۸-۲۹) با توجه [به این ها]، متوجه می شویم که زین الدین اثر خود را پس از این تاریخ نگاشته است.

[کتاب شیعه: مطالب مربوط به سال ۹۶۰ در زندگی نامه شهید، از اضافات شاگرد شهید ابن عودی است، نه از خود شهید.

رک: رسائل الشهيد الثاني، ج ۲، ترجمة الشهيد بقلمه الشريف].

۱۹. نک: الشهيد الثاني، الروضة البهية في شرح اللمعة، تحقيق: محمد کلانتر، قمر: ۱۴۱۰، ج ۱، صص ۱۸۳، ۱۸۶، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۵، ۱۹۸.

صحيح نیست که به برخی از آنها در پانوشتها اشاره کرده ایم].
+ دانشکده الهیات دانشگاه استانبول.

* . در ترجمه این اثر و املا راهنمائی های استاد ارجمندم جناب آقای حسین متقی و دوست فرهیخته ام جناب آقای علیرضا آقازاده هستم.
مترجم.

۲. برای اطلاعات بیشتر درباره منطقه نک. محسن الأمين، خطّة جبل عامل، بیروت: ۱۹۸۲، الأمين، حسن: «جبل عامل و وضع کنونی آن»، الدراسات الأدبية، س: ۹، ش: ۲-۱، لبنان: ۱۳۴۶، ص ۱۳۳-۱۴۶ (دو عدد نقشه نیز آورد شده است.)؛ هدی [؟] کورانی، «جبل عامل؛ مهد العلم و أرض الحرّية»، نور الإسلام، س: ۶، ش: ۷۱-۷۲، بیروت: ۲۰۰۱.

<http://www.nooralislam.org/last/7172fodf7172/noor10.pdf>
03.02.2009

۳. درباره ی نامش ثبت های به شکل زین الدین علی، اشتباه است. زین الدین نه لقب، که نام او است. علی نام پدر او است. خودش نیز نامش را به صورت زین الدین بن علی بن احمد الشامی العاملی ثبت کرده است. میرزا عبدالله الأندلی الإصفهانی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، قمر: ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۳۸۲، محسن الأمين، اعیان الشیعة، تحقیق: حسن الأمين، بیروت، ۱۹۸۳، ج ۷، ص ۱۴۴.

۴. علی بن درویش: جبل عامل بین ۱۵۱۶-۱۶۹۷: الحیات السياسية و الثقافية: بیروت، ۱۹۹۳، صص ۳۸-۳۹، مقدمه: عبدالرحیم ابو حسیین.
Vew from Istanbul, Ottoman Lebanon and the Druze Emirate. London, 2002, s. 135.

5. <http://www.nabolsi.net/view-this-it.php?idmenu=702>.
13.02.2009

برای اطلاعات کوتاه درباره شرکت کنندگان در سمینار و موضوعات مطرح شده نک:- «الشهید الثاني، الخصوصية و التواصل المؤتمر الثاني لإحياء تراث جبل عامل»، المنهاج شماره ۲۳، بیروت: ۲۰۰۱/۱۴۲۲، صص ۳۵-۳۵۶؛ مختاری، رضا؛ گزارشی کوتاه از کنگره شهید ثانی، پژوهش و حوزه: شماره ۵، قمر: ۱۳۸۰، صص ۱۶۵-۱۷۰.

۶. به نظر طرفداران شیعی امامی، شمس الدین محمد بن مکی جبل عاملی، که از او با عنوان شهید اول یاد می شود؛ به سبب عقایدش در شام محبوس شده و در سال ۷۸۶/۱۳۸۴ اعدام شده است. اعیان الشیعة: ج ۱، ص ۵۹.

7. <http://www.shahidavn.com/index.ar.php?oage=Posts>.
ViewPost&id=64. 2009.02.13.

هر دو سمینار در متن محققان موجود شرکت کنند، هنوز امکان دسترسی نداشته ایم.

8. <http://www.shahidavn.com/index.ar.php?page=General>.
ArticleSummon, 26.01.2009.

9. <http://www.isca.ac.ir/ar/index.php?option=com-content&tas>



۲۰. الشهيد الثاني، منية المريد في أدب المفيد و المستفيد: تحقيق: رضا المختاري، قم: ۱۴۰۹ (مقدمه)، ص ۱۰.

۲۱. المختاري، مقدمه منية المريد، ص ۵۲.

۲۲. مركز فقه العالمي لإحياء التراث، وجود يك نسخه‌ی خطی آنرا قيد نموده است.

http://www.alameleva.org/index.php?id=34، 2009.01.17.

اما تصريح شده است که در این نسخه تنها قسمت‌های نقل شده در الدر المنثور آمده است.

۲۳. الدر المنثور: ج ۲، ص ۱۵۸.

۲۴. صادق، علی؛ الشهيد الثاني، (ترجمه به عربی: کمال السيد)، قم: ۱۴۱۵/۱۹۹۵، ص ۲۵.

۲۵. برای داده‌ها و ارزیابی‌ها نک: المهاجر، جعفر؛ التأسيس لتاريخ الشيعة في لبنان و سورية: بيروت: ۱۹۹۲، ص ۲۱ و دیگر.

۲۶. برای موقعیت شیعیان در منطقه در دوره مملوکیان نک: Abdul-Rahim Ebu Husayn, "The Shiites in Lebanon and The Ottomans in The 16th and 17th Centuries," in La Shia Nell'impero Ottomano. Rome: Accademia Nazionale Dei Lincei, 1993, (ss. 107-19), s. 108- 11.

۲۷. المهاجر، جعفر؛ جبل عامل بین الشهيدين: دمشق، ۲۰۰۵، ص ۲۱۸؛ المهاجر، جعفر؛ الهجرة العالمية إلى إيران في العصر الصفوي، بيروت: ۱۹۸۹، ص ۹۴.

۲۸. المهاجر، الهجرة العالمية: ص ۳۵.

۲۹. همراه با سنی‌های صیدا، شیعیان و دروزیان نیز زندگی می‌کرده‌اند. اسناد عثمانی آن دوره، در حالی که عناصر دینی این منطقه را تقسیم نموده، همه این گروه‌ها را تحت عنوان مسلمان ثبت نموده است:

Muhammed Adnan Bakhit, "Sidon in Maluk and Early Ottoman Times", Osmanlı Araştırmaları, Sayr. 3, Istanbul, 1982, (ss. 53-68), s. 58.

(محمد عدنان باحث، "صیدا در دوره مالیک و اوائل دوره عثمانی"، عثمانی آراشدیرمالاری [پژوهش‌های عثمانی]، شماره ۳، استانبول، ۱۹۸۲، (صص ۵۳-۶۸)، ص ۵۸.)

۳۰. ابن طولون، ابوالفضل شمس‌الدین محمد بن علی؛ مفاکهة الخلائ في حوادث الزمان، نشر: خليل المنثور، بيروت: ۱۹۹۸، ص ۲۳۶؛ عبدالعزيز سليم، تاريخ مدينة صيدا في العصر الإسلامي، اسکندرية: ۱۹۸۶، ص ۱۶۲؛ حسن عباسی نصرالله، تاريخ کرک نوح، دمشق: ۱۹۸۶، ص ۲۸.

۳۱. ابن طولون، مفاکهة الخلائ، ص ۳۴۰، نصرالله، تاريخ کرک نوح، ص ۳۰.

۳۲. منجم‌باشی تاریخی، ج ۲، ص ۴۷۹. برخی منابع نیز گذشته شدن جانبردی از سوی الغزالی را ثبت نموده‌اند. برای داده‌ها نک: ابن طولون، اعلام الوری بمن ولی نائبا من الأثرک بدمشق، تحقيق: محمد احمد دهمان

(؟/ دحمان)، چاپ دوم، دمشق، ۱۹۸۴، ص ۲۴۵؛ نصرالله، تاريخ کرک نوح، صص ۳۰-۳۲ و ۵۵؛ سليمان ظاهر، تاريخ الشيعة الثقافة الديني، بيروت: ۲۰۰۲/۱۴۲۲، ج ۳، ص ۷؛ سالم، تاريخ مدينة صيدا، صص ۱۶۲ و ۱۸۵؛ ابوحسين، View from Istanbul، صص ۱۴-۱۵؛ ابوحسين، Provincial Leaderships in Syria, 1575-1650، بيروت: ۱۹۸۵، صص ۶۸-۶۹؛ محمد عدنان الباحث، دور اسرات آل الحنش، دراسات تاريخية، شماره ۱۳-۱۴، ۱۴۰۳/۱۹۸۳، دمشق، صص ۸۸-۱۳۷، (برای انگلیسی آن نک: M. A. al-Bakhit, "The Role of the Hanash Family and the Tasks Assigned to It in the Countryside of Dimashq al-Sham, 790/1388-976/1568: A Documentary Study", Land Tenure and Social Transformation in the Middle East, ed. T. Khalidi, (Beirut, 1984, s. 257-89).

۳۳. عبدالرحيم ابوحسين، ابن الحنش را به عنوان یک رهبر سنی بدوی می‌شناساند. . M. A. al-Bakhit, View from Istanbul, s. 14 krş. "The Role of the Hanash Family", s. 257؛ حسن عباس نورالله، از مذهب شافعی خاندان حنش را ثبت نموده است. تاريخ کرک نوح، صص ۲۱ و ۹۸.

۳۴. قاضي معروف، کتاب البراهين، ص ۱۰۵۵، (کتابخانه دولتی با يزيد، ۱۹۰۱۵).

۳۵. نصرالله، تاريخ کرک نوح، ص ۳۲.

۳۶. [کتاب شیعه: متن این وقفنامه در همین شماره کتاب شیعه چاپ شده است].

۳۷. نصرالله، تاريخ کرک نوح، ص ۹۹. برای تاريخ متن وقفیه و دیگر داده‌ها نک: [لشامي العالمي ثبت کرده است: ص ۱۷۳ و دیگر. برای متن وقفیه جداگانه نک: الباحث، دور أسراة آل الحنش، صص ۱۲۱-۱۲۷.

۳۸. نصرالله، تاريخ کرک نوح، صص ۳۲ و ۳۵؛ الباحث، دور اسراة آل الحنش، ص ۹۹. در رابطه با قيد مهمه نک: ۱۲۸.

۳۹. ابن خاندان این ویژگی‌اش را، در نسل‌های بعدی نیز ادامه داده است. أعيان الشيعة: ج ۷، ص ۱۴۴.

۴۰. جهت داده‌ها نک: الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۵۸.

۴۱. در رابطه با این عالمان و درس‌هایی که خوانده شده است نک: الدر المنثور، ج ۲، صص ۱۶۷-۱۶۸؛ أعيان الشيعة: ج ۷، صص ۱۴۸-۱۴۹.

۴۲. ابن خانه و مسجد را مؤلف أعيان الشيعة، محسن الأمين (م. ۱۹۵۲) دیده است. ج ۷، ص ۱۵۰. [کتاب شیعه: خانه و مسجد شهيد در جبع اکنون نیز موجود است و مسجد شهيد تعمير شده است].

۴۳. پس از بازگشت به موطن خود ارتباط با این‌ها ادامه داشته است. هنگامی که پرسش‌ها می‌رسید پاسخ آنها را نوشته و می‌فرستاده است. الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۶۹.

۴۴. أعيان الشيعة: ج ۷، ص ۱۴۷.

۴۵. بنابر یادداشت‌های زين‌الدین، سلطان سليمان به سبب ترسی که

۵۴. برای اطلاعات بیشتر درباره کارهایی که طی اقامت در استانبول انجام داده، نگاه کنید به: الدر المنثور: ج ۲، صص ۱۷۵-۱۷۷. مارکو سالاتی، مقاله‌های نوشته است که موضوع آن این سیاحت زین الدین است.

"Ricerche sullo sciismo nell'Impero ottomano: il viaggio di Zayn al-Dîn al-Sahid al-Tânî a İstanbul al tempo di Solimano il Magnifico (952/1545)", *Orients Moderno*, sayi: 9, (ayri basim) Roma 1990, ss. 1-12.

(شماره ۹، چاپ دیگر) رم، ۱۹۹۰، صص ۱۲-۱۰.

۵۵. الدر المنثور: ج ۲، صص ۱۷۸-۱۸۱.

۵۶. الدر المنثور: ج ۲، صص ۱۷۵.

57. Abu Husayn, View from Istanbul, s. 123.

۵۸. المحبّی، خلاصة الأثر فی اعیان قرن الحادی عشر، بیروت: دار صادر، ج ۴، ص ۴۳۲؛ ابن محاسن، المنازل المحاسبية فی الرحلة الطرابلسية، نشر: م. ا. البلهیت ۴، بیروت: ۱۹۸۱، ص ۴۰؛ محمد عدنان باحث، The Ottoman

Province of Damascus in the Sixteenth Century، بیروت: ۱۹۸۲، ص ۲۸؛ (۱۴۱). پانوش، ۱۷۵؛ محمد تقی الفقیه، جبل عامل فی التاریخ، بیروت، ۱۹۸۶، ص ۱۶۵؛ درویش، جبل عامل، صص ۱۱۶-۱۱۹؛ ابوحسین، Seyyid Muhammed es-Seyyid «View from Istanbul» page 124

Mahmud, "Harfus", DIA, XVI. (ss. 165-7), s. 166 (سید محمد السید محمود، حروفوش، دایرة المعارف اسلام دیانت، ج ۶، ص ۱۶۶).

۵۹. حسن عباس نصرالله، تاریخ بعلبک، بیروت، ۱۹۸۴، ج ۱، ص ۲۲۴ و دیگر، نصرالله، تاریخ کرک نوح، ص ۵۷، و دیگر، ابوحسین، شیعیان در لبنان و عثمانی در قرن ۱۶ و ۱۷ (عنوان لاتین)، ص ۱۱۳ و دیگر، نوفان رجا الحمود، العسکر فی بلاد الشام فی قرن السادس عشر و السابع عشر

المیلادین، بیروت، ۱۹۸۱، صص ۱۶۶-۱۶۹؛ ادريس بستان، بعلبک، DĪA (دایرة المعارف اسلام دیانت)، ج ۵، (صص ۱۱-۹)، ص ۱۰.

60. Abdul Rahim Abu Husayn, Provincial Leaderships in Syria 1975-1650, s. 129;

درویش، جبل عامل، ص ۱۰۹.

61. Abu Husayn, Provincial Leaderships, s. 134.

۶۲. المحبّی، خلاصه، ج ۴، ص ۴۹۹؛ نصرالله، تاریخ کرک نوح، ص ۸۸؛ المهاجر، الهجرة العاملية، ص ۹۵.

۶۳. الدر المنثور: ج ۲، ص ۱۸۲؛ نیز بنگرید: الحر العاملی، أمل الآمل، بغداد، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۸۹؛ یوسف بن احمد البحرانی، لؤلؤة البحرين، تحقیق: م. س. بحر العلوم، بیروت، ۱۹۸۶، ص ۳۱؛ الخوانساری، روضات الجنات، نشر: اسدالله اسماعیلیان، تهران: قمر، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۲۷۳؛ المیزان النوری، خاتمة المستدرک، قمر، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۲۵۸؛ اعیان الشیعه: ج ۷، ص ۱۴۵.

۶۴. محمد بن علی الأحسانی، عوالی اللالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، تحقیق: مجتبی العراقی، قمر، ۱۹۸۳، ج ۱، صص ۱-۱۱ (بیانات نعمت الله جزائری که بر کتاب شرح نوشته است.)؛ رضا مختاری، مقدمه منیه،

درباره سلطنت از جانب فرزندش داشت شاهزاده را در سال ۱۵۵۳/۹۶۰ کشته بود. در همان سال فرزند دیگرش جهانگیر نیز در حلب مرده بود.

گفته شده است که او را نیز پدرش کشته است. الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۷۳.

۴۶. زین الدین العاملی در این مسیر از میوه و سبزی‌ها تا گل‌ها اطلاعات زیادی با زبانی بسیار متحیرانه نگاشته است. الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۷۳.

۴۷. اثر او به نام الإسطنبولیه فی الواجبات العینیة که هنگام اقامت در استانبول نوشته است (نشر: احمد العابدی، رضا المختاری، تراثنا،

حماه ۲۲، ۱۴۱۱ هـ صص ۱۶۷-۲۰۴، <http://www.rafed.net/turatho-na/22/22-6.html> / ژانویه ۲۰۰۹) از این اثری که ارائه شده متفاوت است (مقدمه، ص ۱۷۱) او، در این رساله‌اش صریحاً از تعلّق امامت حضرت علی و اولادش [علیهم السلام] دفاع می‌کند (ص ۱۸۵)

تقدیم نمودن یک چنین اثری که حاوی دیدگاه‌های او است؛ به مقامات مکرر آن زمان سنی‌ها خیلی هم مناسب نمی‌بود.

[کتاب شیعه: رساله‌ای که شهید در ده موضوع برای این منظور در استانبول نوشته، مفقود شده و به دست ما نرسیده است. الاسطنبولیه رساله‌ای دیگر است که صرفاً به دلیل تألیف در استانبول، بدین نام نامیده شده است.]

۴۸. نام قاضی عسگر اینگونه آمده است: محمد بن قطب الدین بن محمد بن محمد بن قاضی زاده الرومی. الدر المنثور: ج ۲، ص ۱۷۴. برای داده‌ها و اطلاعات درباره قاضی عسگر آناتولی، محمد چلبی بن قطب الدین که در مدارس گوناگون مدرّس بوده و در مناطق گوناگون مسئولیت قضاوت داشته است نگاه کنید به: تاش کبری زاده، الشقائق النعمانية فی علماء العثمانية، بیروت: ۱۹۷۵، ص ۲۶۷؛ مجدی محمد افندی، حقائق الشقائق، نشر: عبدالقادر اوزجان، استانبول: ۱۹۸۹، ج ۱، صص ۴۴۸-۴۴۹؛ الغزّی، الکواکب السائرة بأعیان المائة العاشرة، نشر: خلیل المنصور، بیروت: ۱۹۹۷، ج ۲، ص ۱۹۹.

۴۹. برای داده‌های اطلاعات این عملیات که به [نام] «تذکره مرور» و دیگر نام‌ها نیز نامیده می‌شود نگاه کنید به:

Mubahat S. Kutukoglu, "Mürur Tezkiresi", DIA, XXXII, s. 60-1.

۵۰. برای اطلاعات کوتاه و تصویر باقیمانده‌اش نگاه کنید به:

<http://alintiqad.com/e.ssavdetails.php?eid=1938&cid=51>, 13.01.2009

۵۱. الدر المنثور: ج ۲، صص ۱۷۴-۱۷۵.

۵۲. برای نمونه برخی برات‌ها نگاه کنید به:

Ismail Hakkt Uzunçarşılı, Osmanh Devletinin Imiye Teşkilatı, Ankara. 1988. s. 77-81

(اسماعیل حق اوزون چارشلی، تشکیلات عمیه دولت عثمانیه، آنکارا: ۱۹۸۸، صص ۷۷-۸۱).

۵۳. الدر المنثور: ج ۲، ص ۱۷۵.

ص ۴۷؛ همان مؤلف، «پژوهشی در تاریخ زندگی شهید ثانی»، ص ۱۳۶.
 ۶۵. اعیان الشیعة، ج ۷، ص ۱۴۵؛ درویش، جبل عامل، صص ۱۳۱ و ۱۷۹.
 ۶۶. الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۸۲.

۶۷. المهاجر، جبل عامل بین الشہیدین، ص ۲۲۵.
 ۶۸. الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۸۲؛ نوشته‌های زین‌الدین در راجع زندگی خودش، با تحقیق رضا المختاری در جلد دوم رسائل الشہید الثانی دوباره منتشر شده است. جهت متن نگاه کنید به:

<http://www.shahidavn.com/index.ar.php?page=Librarv>.

Pari&partid=2324&id=6، 2009.03.13.

قسمت دیگرش با تغییرات در مقدمه‌ی (صص ۱۳-۲۵) کشف الریبة فی احکام الغیبة (تحقیق: علی الخراسانی الکاظمی، بیروت، ۱۹۸۷)؛ نیز در مقدمه‌ی (صص ۲۷-۳۴) التنبیہات العلیة علی وظائف الصلاة القلبية (تحقیق: صفاءالدین البصری، مشهد، ۱۴۱۳) نیز آمده است.

۶۹. با تحقیق رضا المختاری، «ترجمة الشہید بقلمه الشریف»، در: رسائل الشہید الثانی، ج ۲.

<http://www.shahidayn.com/index.ar.php?page=Library>.

Part&partid=2324&id=6، 2009.03.13.

۷۰. البحرانی، لؤلؤة البحرين: ص ۳۴.

۷۱. عبدالله افندی، ج ۲، صص ۳۸۲-۳۸۳.

۷۲. المهاجر، جبل عامل بین الشہیدین، ص ۲۲۵.

۷۳. البحرانی، لؤلؤة البحرين، ص ۳۴.

۷۴. الحر العاملی، أمل الآمل، ج ۱، ص ۹۰.

۷۵. محسن الأمین، خطط جبل عامل، بیروت، ۱۹۸۲، صص ۱۳۷-۱۳۸؛ درویش، جبل عامل، ص ۱۴۷.

۷۶. مسالک الافهام، قم، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۱۱۰؛ ج ۱۳، ص ۳۳۵. نیز نگاه کنید به: محمد رضا موسویان، «شهید ثانی و زندگی در دولت جائر»، علوم سیاسی، شماره ۴، قم، ۱۳۷۸، صص ۴۹-۷۱.

۷۷. الحر العاملی، أمل الآمل، ج ۱، ص ۹۰. بدون تغییر مضمون خلاصه آن آورده شده است.

۷۸. النهروالی (۹۱۷-۱۵۱۱/۱۵۸۲)، با آثارش درباره‌ی مکه و یمن مشهور است. با شرفای مکه و عثمانی‌ها ارتباط داشت و در نتیجه او را استخدام نموده بودند. افراد دولتی را که به مکه می‌رفتند راهنمایی می‌کرد. به عنوان مفتی و قاضی مکه تعیین شده بود. برای مدرسه سلیمانیه که از سوی قانونی ساخته شده بود نخستین مدرس حنفی تعیین شده بود (۱۵۶۷/۱۹۷۵). در سال ۱۵۵۸/۱۹۶۵ به عنوان فرستاده شریف مکه در استانبول حضور داشت. (ایمن فؤاد سید، «نهروالی»، دایرة المعارف اسلام دیانت، ج ۳، صص ۵۴۷-۵۴۸).

۷۹. ملا حسن بیگ به سال ۱۵۵۲ (در منصب قضاوت شام دو سال، سپس در بغداد به سال ۹۶۳/۱۵۵۶)، و برای دومین بار در قضاوت شام اندکی بیش از یک سال انجام وظیفه نموده است. در تاریخ شوال ۹۶۴

(۱۵۵۷) به قضاوت مکه تعیین شده بود. از تاریخ ربیع الآخر ۹۶۵ (۱۵۵۸) نیز به قضاوت قاهره منصوب شده بود. مجدی، حدائق الشقائق، ج ۲، صص ۲۳۹-۲۴۰.

۸۰. الفوائد السنیة فی الرحلة المدنیة والرومیة نام اثر مهم النهروالی است که در آن سفر خود به مدینه، و از آنجا به سوریه و از طریق آناتولی به استانبول را شرح داده است. در کتابخانه دولتی بایزید استانبول، ولی الدین افندی ش: ۲۴۴۰ (در فیش کتابخانه به صورت مجموعه الفوائد المتفرقة من التاریخ ثبت شده است). موجود است. این سیاحت‌نامه للنهروالی، را ریچارد بروکلان به زبان انگلیسی ترجمه کرده است (Journey to the sublime porte: Te Arabic Memoire of a Sharifian Agent, s Diplomatic Mission to the Ottoman Imperial Court in the era of Suleyman the Magnificent: the Relevant text from Qutb al-Dīn al-Nehrvali's al-Fawa'id al-san'iya fi al-rihla al-madaniya wa-l-rumiya, Beyrut: Orient Institut, 2005, s.208-210). برای متن نک: محمدکاظم رحمتی، "شهید ثانی و اطلاعی تازه در باره شهادت او، <http://www.rahmati.hateban.com/centry1319>، 16.01.2009. دون ژ. استوارت نیز در آخر مقاله‌اش متن را آورده

است ("The Ottoman Execution of Zayn al-Dīn al-Āmilī"، p. 347). در سیاحت‌نامه جهت جاهایی که زین‌الدین بیان شده نموده برگ‌ها b-۱۵۶a داده شده است. اما هنگام کنترل مشاهده شد، b-۱۴a بودنش درست‌تر است. رفعت بیلگه در اثر خود به نام لحظه‌ها و انسان‌ها در ترجمه برخی قسمت‌هایی که انجام داده، بخشی که این حادثه اتفاق افتاده موجود نیست. (آنکارا، ۱۹۹۷، صص ۱۸-۲۵). اکرم کامل نیز توضیحات نهروالی درباره شهرهایی را که در ترکیه گشته است با یادداشت‌های الغزی به صورت تطبیقی به ترکی برگردانده است. (ایمن فؤاد سید، "نهروالی"، دایرة المعارف اسلام دیانت، ج ۳، صص ۵۴۷-۵۴۸) اکرم کامل، در قرن دهم هجری (شانزدهم میلادی) سیاحت‌نامه غزی - مکه، از سیاحان عرب که سرزمین مان را گشته‌اند، دانشگاه استانبول دانشکده ادبیات، نشریه سیمینار تاریخ، ۱ (استانبول، ۱۹۳۷، صص ۳-۹۰) اکرم کامل ترجمه بخشی از سیاحت‌نامه را که واقعه اتفاق افتاده، تلخیص کرده است. ص ۸۲. (چاپ فاکسیمیل اسلامیک جنوگرافی، ۱۹۴، ائدیت: فؤاد سزگین، فرانکفورت، ۱۹۹۴ (صص ۱۷۷-۲۵۸) ص ۲۵۰. درباره نسخه برای اطلاعات عمومی [نک]: قطب‌الدین محمد بن احمد النهروالی، البرق الیمانی فی العصر العثماني، نشر: حمد الجسر، ریاض: دار الیمامة، ۱۹۶۷، (مقدمه) صص ۴۷-۵۲.

81. Stewart, "The Ottoman Execution of Zayn al-Dīn al-Āmilī", s. 308.

۸۲. حسن الصدر، تكملة أمل الآمل، نشر: احمد الحسینی، قم: ۱۴۰۶، ص ۲۱۵؛ البحرانی، لؤلؤة البحرين، صص ۳۲-۳۳؛ روضات الجنات، ج ۳، صص ۳۸۱-۳۸۲؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۲۸؛ الکنی و الألقاب، ج ۲.

ص ۱۱۷؛ محمدکاظم رحمتی، «عبدالله سیرجانی و اطلاع مهم او درباره شهادت شهید ثانی».

<http://www.histovlib.com/Site/SViewDocument.aspx?DocID=1006&RT=List#.11.02.2009>.

۹۶. النهروالی، الفوائد، ۱۴۰ا.

Blackburn, Journey, s. 208 ; Stewart. "The Ottoman Execution of Zayn al-Dīn al-'Āmilī" s. 333

اکرم کامل، سیاحت‌نامه غزی - مکه از سیاحان عرب که کشورمان را در قرن دهم هجری (شانزدهم میلادی) گشته‌اند، ص ۸۲.

۹۷. الحر العاملی، أمل الآمل، ج ۱، ص ۹۱؛ الخوانساری، روضات الجنات، ج ۳، ص ۳۸۳.

۹۸. اعیان الشیعه، ج ۷، ص ۱۵۷.

۹۹. البحرانی، لؤلؤة البحرين، ص ۳۴؛ الخوانساری، روضات الجنات، ج ۳، ص ۳۸۳.

۱۰۰. جعفریان، رسول؛ پژوهشی درباره انتقال کتاب‌های کهن شیعی از سرزمین‌های عربی به ایران در آغاز دوره صفوی، مقالات تاریخی، ج ۴، قم: ۱۳۷۴ (صص ۹۰-۱۰۹)، ص ۹۷.

۱۰۱. صفت‌گل، منصور؛ ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی، تهران: ۱۳۸۱، ص ۱۴۳؛ المهاجر، الهجرة العاملیه، ص ۱۱۳.

۱۰۲. درویش، جبل عامل، ص ۱۳۴؛ المهاجر، جبل عامل بین الشهیدين، ص ۲۲۷؛ المهاجر، الهجرة العاملیه، ص ۹۵.

۱۰۳. منصور صفت‌گل، ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی، ص ۱۴۴ و دیگر.

۱۰۴. نصرالله، تاریخ کرک نوح، ص ۹۰ و در ادامه نمونه‌هایی از علمایی که از منطقه رفته و در خدمت صفویه مسئولیت پذیرفته‌اند. نیز نک: ص ۹۹ و دیگر.

۱۰۵. برای داده‌ها نک: المهاجر، الهجرة العاملیه، صص ۱۹۳ و دیگر.

۱۰۶. المهاجر، جعفر؛ متوجه این اعتراض شده است. اما باز هم تلاش دارد که تهاجم عثمانی‌ها را پیش بکشد. الهجرة العاملیه، ص ۹۶.

۱۰۷. البحرانی، لؤلؤة البحرين، ص ۳۴؛ صفت‌گل، ساختار، صص ۲۵۹ و ۱۳۳. پاورقی.

۱۰۸. الحر العاملی، أمل الآمل، ج ۱، صص ۹۰-۹۱.

۱۰۹. حسن روملو، احسن التواریخ، ص ۵۲؛ غفاری، تاریخ جهان‌نما، ص ۳۰۴؛ عبدی بیگ شیرازی، تکملة التواریخ، ص ۱۱۳.

۱۱۰. حسن روملو، احسن التواریخ، ص ۵۲.

111. Şerafettin Turan, Kanuni Süleyman Donemi Taht Kavgalari, Ankara : Bilgi Yaymevi, 1997, s. 28-9.

(شرف‌الدین توران، جدال تاج و تخت در دوره قانونی، آنکارا: انتشارات بیلگی، ۱۹۹۷، صص ۲۸-۲۹).

۱۱۲. صولاق‌زاده، صولاق‌زاده تاریخی، ج ۲، صص ۲۲۹-۲۳۵؛ حسن بیگ‌زاده

ص ۳۸۴؛ معجم رجال الحديث، ج ۵، ص ۳۷۷؛ ریاض العلماء، ج ۲، ص ۳۷۵؛ شرح المعة (مقدمه)، ج ۱، ص ۱۹۴.

۸۳. جهاد بنون، حرکات النضال فی جبل عامل، بیروت: ۱۹۹۳، صص ۸۵-۸۶؛ درویش، جبل عامل، صص ۱۷۹-۱۸۰؛ تدمری، موسوعة العلماء المسلمين فی تاریخ لبنان الاسلامی (قرون ۶-۱۰ هجری)، بیروت: ۱۴۱۱/۱۹۹۰، ج ۴، ۲) بخش)، صص ۲۶۰-۲۶۱.

۸۴. التفرشی، نقد الرجال، قم: ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۲۹۲.

۸۵. الحر العاملی، أمل الآمل، ج ۱، صص ۸۶ و ۳۶۴؛ میرزا عبدالله أفندی اصفهانی، بیانات تاریخ‌نگار صفوی، حسن روملو را ترجمه نموده و پس از بررسی، نادرست بودن سال ۹۶۵ که گفته شده است؛ و از بایستگی درست بودن سال ۹۶۶ دفاع می‌کند. (ریاض العلماء، قم: ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۳۸۵).

۸۶. رضا مختاری در رابطه با تاریخ کشته‌شدن زین‌الدین به مطالب مسلکی دست یافته و به این نتیجه رسیده است که سال ۹۶۵ درست است. نک: منية المرید (مقدمه)، ص ۱۲.

۸۷. حسن روملو، احسن التواریخ، نشر: عبدالحسین نوائی، تهران، ۱۳۵۷/۱۹۷۹، ص ۵۲۰؛ قاضی احمد غفاری قزوینی، تاریخ جهان‌آرا، تهران، ۱۳۴۳، ص ۳۰۴؛ عبدی بیگ شیرازی، تکملة التواریخ، نشر: عبدالحسین نوائی، تهران، ۱۳۶۹، ص ۱۱۳.

۸۸. الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۸۹؛ عبدالله الأفندی، ریاض العلماء، ج ۲، ص ۳۷۶؛ البحرانی، لؤلؤة البحرين، ص ۳۴.

۸۹. النهروالی، الفوائد السنیة، ۱۴۰ا؛ بروکلان، [جورنئی]، صص ۲۰۸-۲۱۰؛ رحمتی، الشهید ثانی و اطلاعی تازه درباره شهادت او

<http://www.rahmati.hateban.com/centry1319.html>

16.01.2009؛ Stewart, "The Ottoman Execution of Zayn al-Dīn al-'Āmilī", s. 347.

۹۰. الحر العاملی، أمل الآمل، ج ۱، ص ۹۱؛ نیز نک: الخوئی، معجم رجال الحديث، بیروت، ۱۹۹۲، ج ۸، ص ۳۹۰؛ تدمری، موسوعة علماء المسلمين فی تاریخ لبنان الاسلامی، ج ۴، (بخش ۲)، صص ۲۶۰-۲۶۱.

۹۱. اعیان الشیعه، ج ۷، ص ۱۴۳.

۹۲. حسن روملو، احسن التواریخ، ص ۵۲؛ قاضی احمد الغفاری قزوینی، تاریخ جهان‌آرا، ص ۳۰۴؛ عبدی بیگ شیرازی، تکملة التواریخ، ص ۱۱۳؛ البحرانی نیز آورده شدن زین‌الدین از طریق دریا به استانبول و کشته‌شدنش را ثبت نموده است. لؤلؤة البحرين، ص (۴).

۹۳. ریاض العلماء، ج ۲، ص ۳۸۵.

۹۴. الخوانساری، بیان التفرشی در نقد الرجال که "در قسطنطنیه کشته شد" را بررسی نموده و در راه کشته شدن زین‌الدین را تأیید می‌کند (روضات الجنات، نشر: اسدالله اسماعیلیان، تهران؛ قم: ۱۳۹۱، ج ۳، صص ۳۸۱-۳۸۰).

۹۵. الطهرانی، الذریعة، ج ۲۶ (۴)، ص ۲۱۹؛ إحياء اللآثر من القرن العاشر،

احمد، تاریخ، ج ۲، صص ۱۲۷-۱۳۲؛ منجم‌باشی تاریخی، ج ۲، ص ۵۶.

۱۱۳. Uzunçarşılı, Osmanlı Tarihi (اوزون‌چارشلی، تاریخ عثمانی)، ج ۲، صص ۳۶۰، ۴۰۲-۴۰۳، ۴۰۶، ۵۴۹-۵۵۰؛ اوزون‌چارشلی، «هنگام مرگ شهزاده وزیراعظمی که دخالت داشته در دومین دوره صدارت وزیراعظم نامه‌های بسیار تند رستم پاشا با سلطان سلیمان قانونی حاوی شکایت از آغاز یثنی‌چتری‌ها»، Belleten, Cilt: XXXI. Sayı: 122, Ankara, 1967, ss. 191-200; Ş. Altundağ, Ş. Turhan, "Rüstem Paşa", iA, IX, s. 800-2; M. Tayyib Gokbilgin, "Rüstem Paşa ve Halkındaki İthamlar", İstanbul Üniversitesi Edebiyat Fakültesi Tarih Dergisi, sayı 11-12, İstanbul, 1956, (بللتن، ج ۳۱، شماره ۱۲، آنکارا: ۱۹۶۷، صص ۱۹۱-۲۰۰)، ش. آلتون‌داغ، ش. تورخان، «رستم پاشا»، دایرة المعارف اسلام، ج ۹، صص ۸۰۰-۸۰۲، م. طیب‌گوک‌بیلگین، «رستم پاشا و اتهامات درباره او»، نشریه تاریخ دانشکده ادبیات دانشگاه استانبول، شماره ۱۱-۱۲، استانبول: ۱۹۵۶، صص ۵۰-۱۱.

۱۱۴. پجوی ابراهیم افندی، تاریخ پجوی، نشر: ب. س. بایکال، آنکارا: وزارت فرهنگ، ۱۹۸۱، ج ۱، صص ۲۷۱-۲۸۸؛ صولاق‌زاده، ج ۲، صص ۲۶۲-۲۸۹؛ منجم‌باشی، ج ۲، صص ۵۷۹-۵۸۴؛ حسن بیگ‌زاده، ج ۲، صص ۱۳۷-۱۳۹؛ شرف‌الدین توران، جدال تخت و تاج در دوره سلیمان قانونی، ص ۹۷ و دیگر، ۱۳۷.

۱۱۵. حسن الصدر، تکملة أمل الآمل، نشر: احمد الحسین، قم: ۱۴۰۶، ص ۲۱۵؛ المیرزا النوری، خاتمة المستدرک، قم: ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۲۶۱.

۱۱۶. حسن روملو، احسن التواریخ، ص ۵۲۰؛ غفاری، تاریخ جهان‌آرا، ص ۳۰۴؛ عبدی بیگ شیرازی، تکملة التواریخ، ص ۱۱۳.

۱۱۷. النهرولی، الفوائد السنية، ۱۴۰۸؛ بروکمان، جورنی، صص ۲۰۸-۲۱۰؛ رحمتی، «شهید ثانی و اطلاعی تازه درباره‌ی شهادت او»، <http://rahmati.kateban.com/entry1319.html>، 2009.01.16، استوارت، «گزارشات عثمانی از زین‌الدین العاملی»، ص ۳۴۷.

۱۱۸. أمل الآمل، ج ۱، ص ۱۸۳؛ اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۶۰.

۱۱۹. کتابخانه دولتی بایزید، ۱۹۰۵، نک: فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی، <https://www.yazmalar.gov.tr/detay-goster.php?k=68767>.

۱۲۰. او تصریح کرده است که این رساله را، به هدف رد روافض اثنی عشریه نگاشته است. کتاب البراهین، ص ۸۵.

۱۲۱. بدیع‌الدین احمد بن ابراهیم ابن الحنبلی، در الحبيب فی تاریخ اعیان حلب، نشر: محمود الفاخوری، یحیی زکریا ابّاره، دمشق: ۱۹۷۳، ج ۲، (بخش ۱)، ص ۴۹۴.

۱۲۲. الغزّی، الکواکب، ج ۳، ص ۱۸۵.

۱۲۳. یک دوره قضاوت نمودن مؤلف در شهر صیدا در بیانات خود او نیز آمده است. («من وقتی که در شهر صیدا قاضی بودم...»، ص ۳۱۸).

۱۲۴. الغزّی، الکواکب، ج ۳، ص ۱۸۷.

۱۲۵. ابن الحنبلی، در الحبيب، ج ۲، (بخش ۱) صص ۴۹۴-۴۹۶؛ المحبی، خلاصه، ج ۴، ص ۱۶۲؛ محمد راغب بن محمود بن هاشم راغب الطنبّاخ الحلبي، اعلام النبلاء بتاریخ حلب الشهباء، حلب: المطبعة العلمية، ۱۳۴۴/۱۹۲۶، ج ۶، ص ۵۰؛ با اطلاعی که از همان منابع گرفته شده است، عمر عبدالسلام تدمری، موسوعة علماء المسلمين فی تاریخ لبنان الاسلامی (قرون ۶-۱۰ هجری)، بیروت ۱۴۱۱/۱۹۹۰، ج ۴ (بخش ۲)، صص ۲۵۹-۲۶۱. برای نمونه‌های اشعار نک: درویش محمد بن احمد الطالوی، سناحات دمی القصر فی مطارحات بنی العصر، نشر: محمد مرسی الخولی، بیروت: عالم الکتب، ۱۹۸۳، ج ۱، ص ۱۷۹ و دیگر، درباره زندگی و این اثر او برای اطلاعات بیشتر نک:

“Osmanlı Kadısı/Müderriisi Maruf b. Ahmed’in İmâmiyye Şiasına Eleştirileri”, Marife, yıl:8, sayı:3 (Şîa sayısı, Kış 2008), Konya, 2009, ss. 331-348.

(آدم آریکان، انتقادهای قاضی - مدرس عثمانی، معروف بن احمد، به شیعه امامیه معرفه، سال ۸، شماره ۳، (ویژه‌نامه تشیع، زمستان ۲۰۰۸)، قونیه، ۲۰۰۹، صص ۳۳۱-۳۴۸).

۱۲۶. از بیان «... روزگاران سال ۹۶۴...» مذکور در کتاب، تاریخ نگارش اثر ۹۶۴ (۱۵۵۷) بودنش دانسته می‌شود. (کتاب البراهین، ص ۲۰۸).

۱۲۷. در نوشته‌ی پیشین خود درباره قاضی معروف، شهید ثانی را به عنوان مؤلف مسالک الافهام در داخل پرانتز بیان نموده بودیم؛ اما تصحیح می‌کنم که مشخص شد شخص محمد بن (ابی) جمهور [مؤلف آن اثر] بوده است. نک: انتقادهای قاضی - مدرس عثمانی، معروف بن احمد، نسبت به شیعه امامیه " ص ۳۴. [شهید ثانی و ابن ابی جمهور هریک اثری به نام مسالک دارند مترجم]

۱۲۸. کتاب البراهین، ص ۹۲ب.

۱۲۹. کتاب البراهین، ص ۹۳ا.

۱۳۰. کتاب البراهین، ص ۹۳ا.

۱۳۱. ابن ابو جمهور (م. آغاز سال ۹۰۰ هجری)، ابتدا بر اساس مسالک الإفهام، حاشیه‌ای به نام النور المنجی من الضلال نوشته است. بر اساس آن باز حاشیه‌ای به نام المجلی لمآرت المنجی تألیف نموده است. قید شده که به سال ۱۳۲۴ چاپ شده است. محمد محسن آغا بزرگ الطهرانی، الذریعة و التصانیف الشیعة، بیروت: ۱۹۸۳، ج ۷، ص ۱۱۰، ج ۲، ص ۲۴، ج ۱۳، ص ۳۷۷؛ در رابطه با زندگی ابن ابی جمهور برای منابع و دیگر اطلاعات نک: صمد موحد، «ابن ابی جمهور».

<http://www.cgie.org.ir/shavad.asp?id=130&avaid=790>, 09.02.2009

۱۳۲. کتاب البراهین، ص ۹۶ب.

۱۳۳. [کتاب شیعه: نقل شیخ حر بیهترین دلیل بر دخالت قاضی معروف در شهادت شهید است هیچ دلیلی وجود ندارد که وی بی‌جهت او را وارد ماجرا کرده باشد].

(بخش ۲) صص ۲۶۰-۲۶۱؛ برای نمونه یکی از پژوهشگرانی نیز که این دوره را مورد پژوهش قرار داده، با منبع قرار دادن آمل الآمل به کوثرانی حواله داده است که کشته شدن زین الدین را بیان نموده است. (Mehmet Çelenk, Yüzyıllarda Safevi Şiiliği 16. ve 17., [مؤتمن چلنک، تشیع صفوی در قرون ۱۶ و ۱۷] ترمنتشر شده دکترى)، Uludag Üniversitesi Sosyal Bilimler Ebstitüsü Temel islam Bilimleri Anabilim Dali Islam Mezhepleri Tarihi Bilim Dali, Bursa. 2005, s. 183, 613. dipnot (انسیتوتی علوم اجتماعی دانشگاه اولوداغ، شاخه اصلی علوم اسلامی پایه، رشته تاریخ علم مذاهب اسلامی، بروسه، ۲۰۰۵، صص ۱۸۳ و ۶۱۳. پانویس). کسروی، پس از بررسی ثبت‌های موجود در این منبع (Vecih Kevserani. Osmanlı ve Safevilerde Din-Devle ilişkisi,) fev. Muhlis Canyürek, Denge yay, Istanbul 1992, s. 109-112 وجیه کوثرانی، روابط دین - دولت در عثمانی و صفوی، ترجمه: مخلص جان‌یورک، دنگه یای، استانبول، ۱۹۹۲، صص ۱۰۹-۱۱۲)، درباره قاضی صیدا، معروف، تعبیرات سنگینی را به‌کار برده است. Blackburn, Journey, s. 208-؛ ۱۴۰۸؛ «شهادت تازی و اطلاعی تازه درباره‌ی شهادت او»، http://210 Devin J. rahmati.kateban.com/entry1319.html، 2009.01.16 Stewart, "The Ottoman Execution of Zayn al-Dīn al-Āmilī", p.347. (استوارت، «گزارشات عثمانی از زین الدین العاملی»، ص ۳۴۷). ۱۴۲. [کتاب شیعه: هیچ استبعادی ندارد که این فرد قاضی معروف بوده است].

۱۳۴. ابن الحنبلی، در الحیب فی اعیان حلب، ج ۲، (بخش ۱) صص ۴۹۴-۴۹۶؛ الطباخ الحلبي، اعلام النبلاء بتاریخ حلب الشهباء؛ ج ۶، ص ۵۰؛ از اطلاعی که از همان منابع گرفته شده است عمر عبدالسلام التدمری، موسوعة علماء المسلمين فی تاریخ لبنان الاسلامی (قرن‌های ۱۰-۶ هجری)؛ ج ۴ (بخش ۲)، صص ۲۵۹-۲۶۱. ۱۳۵. الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۷۴. ۱۳۶. دون ج. استوارت، باید آگاهی‌های داده شده ابن الحنبلی را دیده باشد. او، در منابع با در نظر گرفتن زندگی کسانی که با قاضی معروف در ارتباط بوده‌اند، تلاش نموده و قاضی صیدا نبودن او در این تاریخ را مطرح نموده است. «اعلام زین الدین العاملی توسط عثمانی»، صص ۳۱۰-۳۱۱. ۱۳۷. درویش، جبل عامل، صص ۲۹ و ۳۷، krş. Abu Husayn, View from Istanbul, s. ۱۳۵. المهاجر، جعفر، الهجرة العاملیة، ص ۹۳؛ برای کلیت جغرافی استان صفد نگاه کنید به: H. Rhode, "The Geography of the Sixteenth Century Sancak of Safad," Archivum Ottomanicum, sayi: 10, (1985), New York, Harrassowitz Verlag, s. 179-218. ۱۳۸. او علیحده به دیدگاه‌های زین الدین و فرزندش پرداخته و سبب کشته شدن او را عالمان سنی و به برقراری روابط و خوانده شدن کتاب‌هایش نیز اشاره نموده است. الخوانساری، روضات الجنات، ج ۳، ص ۳۸۲. ۱۳۹. الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۷۴. ۱۴۰. تدمری، موسوعة علماء المسلمين فی تاریخ لبنان الاسلامی؛ ج ۴.

تتمة الرحلة العراقية

وصف المخطوط

تقع مخطوطة تتممة الرحلة العراقية في عشر صفحات، وهي موجودة في مكتبة مجلس الشورى الإسلامي في طهران، ضمن المجموعة رقم ۱۶۷۲، من الصفحة ۳۳۱ إلى الصفحة ۳۴۰، ذكرت في فهرسها (ج ۴، ص ۴۰۰)؛ كتبها أحمد بن الحسين الإصفهاني عام ۱۰۴۸هـ، وهي في القطع طول الصفحة ۲۰ سم وعرض ۱۶ سم، تحوي كل صفحة ۱۷ سطرا، ما عدا الصفحة الأخيرة التي احتوت على عشرة أسطر؛ و سطر آخر على شكل نصف دائرة، ملتف على الأسطر الأربعة الأخيرة

چکیده: شیخ حسین بن عبدالصمد عاملی (پدر شیخ بهایی) طی نامه‌ای به استادش شهید ثانی، نکات جغرافیایی عراق و مسیر آن، و نیز جزئیات سفر خود به آن دیار به ویژه کرپلا را بازمی‌گوید چنانکه در اواخر رساله به صورت نظم بیان کرده است.

کلید واژه: عاملی، حسین بن عبد الصمد؛ شهید ثانی - شاگردان؛ سفرنامه‌ها - عراق؛ عالمان شیعه - قرن دهم هجری؛ حوزه علمیه جبل عامل.

مضمون رساله‌ی شیخ حسین بن عبد الصمد الحارثی العاملی إلى أستاذه الشهید الثانی لما ترک جبل عامل مهاجرا فی طریقہ إلى العراق